



دانشگاه تبریز

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی

تحت عنوان

بررسی علت اصلی مداخله نظامی - سیاسی ایالات متحده آمریکا

در خاورمیانه

پس از حادثه یازده سپتامبر 2001

استاد راهنما

دکتر رجب ایزدی

استاد مشاور

دکتر فردین قریشی

پژوهشگر

مرتضی میرزائزاد

پاییز 1388

نام خانوادگی دانشجو: میرزائزاد

نام: مرتضی

عنوان پایان‌نامه: بررسی علت اصلی دخالت نظامی-سیاسی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه پس از حادثه 11 سپتامبر 2001.

استاد راهنما: دکتر رجب ایزدی

استاد مشاور: دکتر فردین قریشی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: علوم سیاسی گرایش: دانشگاه: تبریز

دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی تاریخ فارغ التحصیلی: آذر 1388 تعداد صفحه:

کلید واژه ها: خاورمیانه، بنیادگرایی، تروریسم، هژمونی.

چکیده:

11 سپتامبر سال 2001 میلادی، سیاست بین الملل را به دو بخش قبل و بعد از آن تقسیم کرد. ایالات متحده آمریکا به عنوان کشور مورد تهاجم، بیشترین تاثیر را از این حادثه پذیرفت. انتصاب عاملان حادثه 11 سپتامبر به خاورمیانه، هجوم ایالات متحده را به منطقه در پی داشت. در برابر اینکه علت اصلی دخالت آمریکا در خاورمیانه چه بوده است؟ پژوهش حاضر مدعی است: کسب هژمونی در نظام بین الملل علت اصلی و غایی دخالت آمریکا در خاورمیانه است. در همین راستا، ایالات متحده با معرفی گروه تروریستی القاعده و شخص بن لادن، به عنوان عاملان ترور، با کسب مجوز از شورای امنیت سازمان ملل متحد، به افغانستان حمله برد، چراکه بن لادن تحت حمایت طالبان در افغانستان پنهان شده بود. سپس، با طرح ارتباط صدام حسین با القاعده و اقدام عراق جهت تکثیر سلاحهای کشتار جمعی، بدون مجوز شورای امنیت، وارد عراق شد و با حذف صدام، دولت-ملت سازی مطلوب خود را در آن کشور پیاده نمود. در ادامه جهت مبارزه بنیادین با تروریسم و حذف زمینه های ظهور گروههای تروریستی، طرح خاورمیانه بزرگ از سوی آمریکا ارائه شد که از ساختاری چند وجهی برخوردار بود. بررسی مباحث بالا در چارچوب نظری رئالیستی صورت گرفته است که در نهایت با اثبات فرضیه، کسب و بسط هژمونی در نظام بین الملل علت اصلی دخالت آمریکا در خاورمیانه معرفی می شود.

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
ح	مقدمه
1	فصل اول: چارچوب نظری
2	1-1 قالب نظری واقع گرایانه
4	2-1 مکاتب واقع گرا
4	2-1-1 واقع گرایی کلاسیک
5	1-1-2-1 جرج کنان
5	2-1-2-1 هانس مورگنتا
10	2-2-1 نو واقع گرایی
11	1-2-2-1 اکت والتز
15	2-2-2-1 رابرت گیلپین
18	3-2-2-1 استفن کراسنر
22	فصل دوم: تحولات روابط بین الملل از جنگ جهانی دوم تا سال 2001م
24	1-2 دوره جنگ سرد اول 1945-63
25	1-1-2 ریشه های جنگ سرد
26	2-1-2 تشکیل دو بلوک
26	2-1-3-1 سیاست سد نفوذ
27	2-3-1-2 دکترین ترومن
27	3-3-1-2 طرح مارشال
28	3-1-2 تحکیم دو بلوک
28	1-3-1-2 اقدامات اقتصادی

29.....	2-3-1-2 پیمانهای نظامی
29.....	3-3-1-2 جنگ کره
30.....	4-3-1-2 بحران موشکی كوبا
31.....	2-2 تنش زدایی 1963-79
31.....	1-2-2 شاخص های سیاست خارجی آمریکا در دهه 1960
33.....	2-2-2 تحولات سیاست خارجی آمریکا در دهه 1970
34.....	3-2 جنگ سرد جدید 85 - 1979
35.....	4-2 دوره تنش زدایی جدید 91- 1985
37.....	5-2 از فروپاشی تا سال 2001
37.....	1-5-2 جنگ دوم خلیج فارس
38.....	2-5-2 نظم نوین جهانی
40.....	6-2 مروری بر سیر تاریخی هژمونی ایالات متحده
40.....	1-6-2 شاخص های اقتصادی
41.....	2-6-2 قابلیت های نظامی
44.....	7-2 نتیجه گیری
46.....	فصل سوم: مبانی نظری سیاست خاورمیانه ای جدید آمریکا
47.....	1-3 حادثه بزرگ
49.....	2-3 تحولات نظری (بعد از وقایع 11 سپتامبر)
49.....	1-2-3 رئالیسم و نئورئالیسم
50.....	2-2-3 خلاء ایدئولوژیک
52.....	3-2-3 نومحافظه کاری
58.....	3-3 نتیجه گیری
59.....	فصل چهارم: مداخله در افغانستان
60.....	1-4 از آغاز ریاست جمهوری بوش پسر تا سپتامبر 2001

61.....	2-4 اقدامات اولیه .....
63.....	3-4 بررسی مشروعیت حقوقی حمله نظامی آمریکا به افغانستان .....
66.....	3-4 نبرد افغانستان .....
69.....	4-4 دولت - ملت سازی در افغانستان .....
69.....	5-4 اجلاس بن .....
71.....	6-4 نتیجه گیری .....
75.....	فصل پنجم: مداخله در عراق .....
76.....	1-5 دلایل اعلانی حمله به عراق .....
79.....	2-5 دلایل عملی و مشهود حمله به عراق .....
84.....	3-5 دکترین بوش تدوین استراتژی نفوذ .....
89.....	4-5 بررسی مشروعیت حقوقی حمله به عراق .....
90.....	1-4-5 دفاع مشروع .....
90.....	2-4-5 مجوز شورای امنیت .....
91.....	5-5 نبرد عراق .....
95.....	6-5 دولت - ملت سازی بر خرابه های رژیم بعثی .....
98.....	7-5 تاثیر اشغال عراق بر کشورهای منطقه .....
100.....	8-5 نتیجه گیری .....
103.....	فصل ششم: طرح خاورمیانه بزرگ؛ استمرار نفوذ .....
105.....	1-6 تاریخچه شکل گیری طرح خاورمیانه بزرگ .....
108.....	2-6 مبانی نظری طرح خاورمیانه بزرگ .....
110.....	3-6 برنامه های پیشنهادی طرح خاورمیانه بزرگ .....
113.....	4-6 بودجه طرح خاورمیانه بزرگ .....
113.....	5-6 واکنش بازیگران بین المللی نسبت به طرح خاورمیانه بزرگ .....
115.....	1-5-6 فرانسه .....

115.....	2-5-6 آلمان
116.....	3-5-6 انگلستان
116.....	4-5-6 ایتالیا
116.....	5-5-6 روسیه
117.....	6-5-6 چین
117.....	6-6 واکنش کشورهای خاورمیانه نسبت به طرح خاورمیانه بزرگ
117.....	1-6-6 مصر
118.....	2-6-6 عربستان
118.....	3-6-6 سوریه
119.....	4-6-6 لبنان
119.....	5-6-6 اردن
119.....	6-6-6 الجزایر
119.....	7-6-6 ترکیه
120.....	8-6-6 اسرائیل
120.....	9-6-6 ایران
120.....	7-6 انتقادات وارد بر طرح خاورمیانه بزرگ
123.....	8-6 نتیجه گیری
125.....	فصل هفتم: هژمونی ایالات متحده در نظام بین الملل
126.....	1-7 شرایط هژمونی
127.....	2-7 هژمونی ایالات متحده در اقتصاد بین الملل
131.....	3-7 هژمونی ایالات متحده بر سازمان ملل متحد و منازعه فلسطین و اسرائیل
133.....	4-7 آمریکا و گسترش ناتو به شرق
135.....	5-7 هژمونی آمریکا بر سایر قدرتهای جهانی
135.....	1-5-7 روسیه

138.....	2-5-7 چین
140.....	3-5-7 فرانسه
143.....	4-5-7 آلمان
144 .....	5-5-7 ژاپن
145.....	6-5-7 بریتانیای کبیر
145.....	6-7 نتیجه گیری
148.....	ارزیابی و نتیجه گیری نهایی
154.....	فهرست منابع

مقدمه



## طرح مساله

11 سپتامبر سال 2001 میلادی را می توان نقطه عطفی در سیاست بین الملل محسوب کرد چرا که شرایط مطلوب را مهیا ساخت تا ایالات متحده آمریکا در تحقق اهداف بنیادی خود در صحنه جهانی با توسل به این واقعه بتواند در راستای منافع دیرپای خود در منطقه خاور میانه گام بردارد، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق طراحان سیاست خارجی آمریکا را محروم از توجیه حضور گسترده تر و وسیع تر این کشور در اقصی نقاط گیتی ساخته بود.

حادثه 11 سپتامبر این فرصت تاریخی را برای آمریکا مهیا ساخت تا قادر به شکل دادن به توجیه داخلی و خارجی برای گسترش حوزه امنیتی و حضور در نقاط خارج از نفوذ تاریخی آمریکا شود، کشورها همانطور که نیازمند دوستان برای دستیابی به اهداف خود در صحنه سیاست خارجی می باشند، نیاز به وجود دشمنانی در توجیه این اهداف دارند.

کسانی که حادثه 11 سپتامبر را امکان پذیر ساختند، خواه نا خواه قدم در جهتی برداشتند که فضای سیاست بین الملل را پذیرای منطق و استدلال رهبران آمریکا در جهت هزینه های بیشتر نظامی و حضور قاطع در حیطه جهانی در بستر عدم وجود یک دشمن یا ایدئولوژی رقیب ساخت. واقعه یازده سپتامبر نه تنها معادلات متداول سیاسی را بر هم زد بلکه ماهیت روابط آمریکا با شمار وسیعی از کشورها را در راستای تقویت منافع این کشور متحول ساخت که تا پیش از این، خارج از حیطه نفوذ آمریکا قرار داشتند. حال با توجه به مطالب بالا با سهولت بهتری می توان سئوال اصلی پژوهش را پرسید که:

## ادبیات موجود یا پیشینه تحقیق

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر کارهای چندی صورت گرفته است که به تعدادی از این کارها اشاره می شود.

● کتاب جدال دو توحش یازده سپتامبر و ایجاد بی نظمی نوین جهانی با ترجمه حسن مرتضوی که در آن ژیلبر آشکار نویسنده لبنانی تبار و استاد کرسی علوم سیاسی دانشگاه پاریس هشت فرانسه با لحنی ژورنالیستی و غیر فنی به جمع بندی مطالب و تجزیه و تحلیل داده ها می پردازد و با اینکه سعی در ارائه مدلی مناسب جهت ارائه مطالب دارد، لیکن با بیانی معما گونه و ابهام آمیز نتوانسته است آنگونه که می بایست در انتقال مطالب سودمند باشد.

● کتاب مفهوم امنیت پس از حادثه 11 سپتامبر نوشته دومینیک داوید با ترجمه معصومه سیف افجه ای ، که در این کتاب نگارنده با بررسی تغییر و تحول مفهوم امنیت در پرتو وقایع 11 سپتامبر و اثرات ناشی از آن ابعاد مختلف امنیت را بررسی می کند لذا با توجه به اینکه موضوع مورد بررسی کتاب مذکور صرفاً امنیت و مصادیق آن است موضوع پژوهش حاضر مشمول قاعده دوباره کاری نخواهد بود.

● کتاب سیاست خارجی آمریکا بعد از 11 سپتامبر نوشته دکتر حسین دهشیار، با اشاره به چارچوب تئوریک و مفاهیم ایدئولوژیک سیاست خارجی آمریکا به تحولات سیاست خارجی آن کشور متأثر از واقعه 11 سپتامبر در قبال افغانستان، اروپا، آمریکای لاتین، عراق و شبه قاره هند می پردازد. اما علیرغم انسجام مطالب مندرج در آن ایراد کار که غیر قابل اجتناب نیز هست مربوط به تاریخ نشر آن می باشد که با توجه به اینکه در سال 1383 منتشر شده است تحولات و جریانات بعد از آن را دربر نمی گیرد.

● جهان پس از 11 سپتامبر استراتژی امپریالیسم در هزاره سوم نوشته احمد سیف با اصرار خاصی جهت تطبیق نمودن تئوریهای امپریالیسم بر سیاست خارجی ایالات متحده پس از 11 سپتامبر پیش می رود و تفاوتها و مختصات منحصر به فرد تحولات پس از حوادث 11 سپتامبر را نادیده می گیرد.

● کتاب افکار اسرار 11 سپتامبر سال 2001، نوشته سعید محمد قدری و عبد المنعم سعید با ترجمه اسماعیل اقبال با تحلیل احتمال دست داشتن خود دستگاه اجرایی دولت بوش در حوادث سپتامبر 2001 پیش می رود و بر این نکته تاکید دارد که دولت بوش از این جریانها در جهت دستیابی به خواسته های دیرین خود در خاورمیانه پرداخته است.

● یازده سپتامبر فریب دهشتناک سناریوی کاخ سفید نشینان نوشته تی یری میسان با ترجمه دنیا مملکت دوست که می توان گفت محتوای آن بی شباهت با محتوای کتاب افکار اسرار نیست و بیشتر حول این مسئله می چرخد که واقعه انفجار ساختمان برجهای دو قلو و پنتاگون نقشه ای از پیش طراحی شده از سوی دولت بوش بود تا از آن طریق دستاویزی برای اقدامات خارجی آن کشور به دست آورد، یعنی بیشتر مقدمات حادثه و قبل آن را بررسی می کند تا به اثرات و پیامدهای آن بر سیاست بین الملل.

## فرضیه

علت اصلی مداخله ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه، گسترش هژمونی آن کشور در عرصه سیاست بین الملل از طریق سلطه بر منطقه خاورمیانه و منابع نفت و انرژی آن است که به همین جهت آن کشور از ابزارهایی همچون مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی مذهبی و سرکوب رژیمهای تند رو در منطقه، در راستای حفظ و تداوم سلطه خود بر منطقه خاورمیانه استفاده می کند.

## تعریف مفاهیم:

خاورمیانه (Middle East) اصطلاح خاورمیانه اول بار در سال 1902 توسط آلفرد ماهان

متخصص تاریخ دریایی در ارتباط با یک پروژه آلمانی در خصوص احداث خط آهن برلین - بغداد بکار برده شد و منظور وی تشریح منطقه اطراف خلیج فارس بود که چون از اروپا به آن نگرسته می شود نه خاور نزدیک به حساب می آمد و نه خاور دور. این منطقه از حیث جغرافیایی شامل این کشورهاست: اردن، امارات عربی متحده، ایران، بحرین، کویت، قطر، عمان، عراق، سوریه، ترکیه، لبنان، عربستان، یمن، مصر و مناطق اشغالی فلسطین. البته بایستی گفت که کشورهایی چون افغانستان، قبرس، موریتانی، سومالی، و سودان نیز گاه جزوی از خاورمیانه محسوب شده اند. خاورمیانه با اکثریت 95 درصدی جمعیت مسلمان به دلایل چندی حائز کمال اهمیت است: بعثت ظهور تمدنهای کهن در منطقه، به دلیل ظهور سه دین بزرگ ابراهیمی مسیحیت، اسلام و یهودیت بخاطر اکتشافات نفت به میزان 65 درصد کل ذخایر نفتی جهان، به حساب وجود بیشترین اعضای اوپک در منطقه، به دلیل موقعیت ژئوپولتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی و نیز به علت نقطه اتصال سه قاره بزرگ اروپا، آفریقا و اروپا. (طلوعی، 19:1380)

• بنیادگرایی (**fundamentalism**) اصطلاحی است که برای توصیف زیاده روی، تند روی و افراط سیاسی جنبشهایی که در ارتباط تنگاتنگ با اعتقادات مذهبی هستند بکار می رود این مفهوم بعد از حادثه 11 سپتامبر بیشتر در ارتباط با گروههای افراط گرای اهل سنت در خاورمیانه بکار برده شده است، مثل: طالبان و القاعده. (سایت [magiran.com](http://magiran.com))

• تروریسم (**terrorism**) این واژه از ریشه لاتین **terror** به معنای ترس و وحشت گرفته شده است. این اصطلاح به مفهوم ارعابگری و ایجاد ترس و وحشت در مردم اشاره دارد، تروریسم خود یک پدیده تاریخی است از فعالیت حسن صباح گرفته تا اقدامات گروه بادرمانیهوف و نیز جهت گیریهای ارتش سرخ تروریسم تجربه شده است. به گفته بسیاری لنین بنیانگذار تروریسم بین الملل است، حتی در بررسی انقلاب فرانسه، از مه 1793 تا ژوئیه 1794 را دوره حکومت ترور خوانده اند، زیرا در این دوره هزاران تن را با گیوتین گردن زدند، لیکن با رویداد واقعه 11 سپتامبر، این مفهوم دچار بازتعریف شده و در کنار مفهوم بنیادگرایی مذهبی، بیشتر در ارتباط با گروههایی با منشا خاورمیانه ای که ریشه اساسی دارند، بکاربرده می شود. (نامجو، 112:1382)

• هژمونی (hegemony) ریشه در نوع روابط دولتشهر آتن با دیگر شهرهای یونان دارد که با یکدیگر علیه امپراطوری ایران متحد شده بودند. بنابراین معنای اصیل هژمونی بر این واقعیت دلالت داشته که آتنی‌ها، تلاشهای مشترک داوطلبانه خود و دیگران را بدون اعمال قدرت سیاسی دائمی بر آنها سازماندهی و هدایت می‌کردند، بدین ترتیب وجود روابط میان مجموعه‌ای از دولتها عدم وجود اجبار، وجود میزانی از نظم و سازماندهی دسته جمعی در مفهوم هژمونی نهفته است. در ادبیات سیاسی امروز واژه هژمونی آن چیزی است که در برگرفته مفهوم مکمل قدرت برای تضمین استمرار آن می‌باشد. هژمونی با قدرت خام و سخت ارتباط دارد توانمندیهای هژمون هم به لحاظ نظامی و هم در مسائل مادی و اقتصادی از برجستگیهای خاصی برخوردار است. آنتونیو گرامشی کسی بود که از مفهوم هژمونی در روابط طبقات اجتماعی با هم استفاده کرد وی هژمونی را پذیرش رضایتمندانه قدرت طبقه مسلط از سوی سایر طبقات اجتماعی قلمداد می‌نمود رابرت کاکس نظریات گرایش را وارد حوزه روابط بین الملل نمود. بنابراین هژمونی نوعی قدرت مبتی بر رضایت (اقتدار) است. از ویژگیهای دیگر هژمونی نظم سلسله مراتبی وابستگی متقابل و دولت محوری است. از فردای جنگ دوم جهانی تا به امروز، ایالات متحده آمریکا تنها قدرتی بوده است که بنوعی قابلیت‌های یک قدرت هژمون را داراست. (نقیب زاده، 1383:45)

## روش پژوهش:

روشی که برای تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه اتخاذ می‌شود، تجزیه و تحلیل علیت است که به بیان رابطه علت و معلولی بین متغیرهای مستقل و وابسته می‌پردازد و برای این کار از روش تحلیل تاریخی استفاده خواهد شد. البته لازم به ذکر است، روش مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، روش کتابخانه‌ای یا اسنادی است که به همین منظور از منابع فارسی و انگلیسی و همچنین مقالات مندرج در مجلات و فصلنامه‌ها استفاده شده است.

## سازماندهی پژوهش

در راستای سنجش فرضیه و مشاهده اینکه آیا فرضیه توانسته است پاسخ مناسبی برای سؤال پژوهش فراهم آورد یا خیر، این نوشتار طی هفت فصل و یک نتیجه گیری به سراغ اسناد و منابع مختلف رفته با از لابلای آنها ارزیابی فرضیه اصلی تحقیق پردازد.

به همین خاطر در فصل اول با عنوان چارچوب نظری ابتدا قالب و چارچوبی که برای بحث در نظر قرار داشته را مطرح کرده و از بین نظریات روابط بین الملل قالب رئالیستی را برای تحقیق حاضر مناسب دیده ایم.

در فصل دوم با عنوان تحولات روابط بین الملل از جنگ جهانی دوم تا 2001م، خلاصه ای از فرازو فرود سیاستها و اقدامات مهم بین المللی بررسی می شود تا فهمی روشن از نظام حاکم بر سیاست جهانی به دست آید.

در فصل سوم به خود حادثه 11 سپتامبر با جزئیات خاص خود آن پرداخته شده است و در ادامه تحول نظری و فکری حاکم بر فضای بعد از حادثه 11 سپتامبر بررسی می شود تا دیدی بهتر جهت تحلیل سیاست جهانی در پرتو تحولات جدید فراهم شود.

در فصل چهارم با عنوان مداخله در افغانستان سعی شده است دلایل، زمینه ها عملیات نظامی و پیامدهای عمده مربوط به مداخله آمریکا در افغانستان بررسی شود تا زوایای پیدا و پنهان آن با موشکافیهای بیشتر معلوم گردد.

در فصل پنجم نیز به حمله آمریکا به عراق پرداخته می شود و مسائل و موضوعات مربوط به آن بررسی میشود.

در فصل ششم با عنوان طرح خاورمیانه بزرگ؛ استمرار نفوذ، این طرح که یکی از جدیدترین تحولات خاورمیانه ای دولت آمریکاست سعی شده است در تمامی ابعاد و زمینه های بررسی و تبیین گردد و مشخص شود که چگونه این طرحها و برنامه در راستای اهداف نهایی مجریان آن می باشد.

در فصل هفتم با عنوان هژمونی ایالات متحده در نظام بین الملل، به نسبت سنجش قدرت آمریکا به عنوان هژمون جهانی در تعیین قواعد رفتاری و هنجاری بین المللی و در رابطه با سایر قدرتهای عمده همچون روسیه، چین، فرانسه، آلمان، انگلستان، و ژاپن پرداخته می شود و تاثیر حادثه 11 سپتامبر را در نوع روابط آنها بررسی می گردد تا دریابیم چه تحولاتی در روابط آنها در قبل و بعد از یازده سپتامبر 2001 صورت پذیرفته است.

در نهایت نتایج حاصل از پژوهش تحت عنوان نتیجه گیری آورده خواهد شد.

## فصل اول

### چارچوب نظری



قبل از بررسی موضوع اصلی این پژوهش یعنی 11 سپتامبر و علت اصلی دخالت آمریکا در خاورمیانه، لازم است ابتدا چارچوب نظری بحث مشخص شود چرا که بسته به نوع چشم انداز نظری، مباحث سمت و سویی دیگر خواهد یافت. در اینجا جهت ورود به بحث، باید گفت که از بین نظریات عمده روابط بین الملل، رئالیسم یا واقع گرایی چارچوبی خواهد بود که تمامی بررسی ها و تحلیل های این نوشتار در قالب آن طرح خواهد شد. لذا در این فصل رئالیسم با بیانی ساده و مختصر توضیح داده خواهد شد. مباحث این فصل شامل تقسیم بندی های رئالیسم و عمده ترین صاحب نظران آن خواهد بود که به طور کوتاه و خلاصه وار به ارکان اصلی نظریات آنها نیز اشاره خواهد رفت.

## 1-1 قالب نظری واقع گرایانه

بی تردید واقع گرایی (realism) عملاً مهمترین و پایدارترین نظریه روابط بین الملل بوده است. هنگامی که از جریان اصلی در روابط بین الملل سخن می رود معمولاً نام نویسندگان واقع گرا به ذهن متبادر می شود. جاذبه تقریباً بی بدیل این نظریه به دلیل نزدیکی آن با عملکرد سیاستمداران در عرصه بین الملل و همچنین نزدیکی آن با فهم متعارف از سیاست بین الملل است. (مشیرزاده، 73:1384) واقعگرایی به عنوان یک مکتب مسلط در روابط بین الملل در برابر خوش بینهای ایده آلیستهای اوایل قرن بیستم نضج گرفت. هنگامیکه برای نخستین بار رهبر مسئول یکی از قدرتهای اصلی جهان به گونه ای عمل می کرد که گویی جهان در شرف گذار از ذلت سیاست قدرت به مسیر جدیدی است که در آن راهنمایی های فلاسفه آرمان گرایان به نظم سیاسی روز تبدیل می شوند (همان: 79) در هر حال همین فضای ایده آلیستی و خوش باورانه در مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی بین المللی نیز حاکم گشت.

اما این عصر لیبرالیسم و امید چندان نپایید. بحران اقتصادی 1929 موجب شد که روح همکاری بین المللی که در سالهای 1925-1929 در میان دولت‌ها به وجود آمده بود رخت بندد. (نقیب زاده، 1368: 206)

طی دهه 1930، سیاست‌های تهاجمی و نظامی گرانه رهبران آلمان نازی و ژاپن امپریالیست مساعی ایده آلیست‌ها را جهت اشاعه صلح به وسیله هنجارهای حقوقی که سازمان‌های فرا ملی آن را اعمال کنند به شکست منتهی کرد. جنگ جهانی دوم که بیش از 60 میلیون نفر کشته در برداشت به نوعی عدم کارایی مفاهیم و الگوهای آرمان‌گرایانه را اثبات کرد.

اثرات ناشی از جنگ دوم جهانی منجر به این شد تا نسل بعد از جنگ، سیاست بین الملل را مبارزه قدرت تلقی کنند و حتی خود تحلیل گران آرمان‌گرا نیز از شدت و حدت تحلیلهای خوش بینانه خود کاسته و خواهان توجه بیشتری به مفاهیمی چون قدرت، امنیت و نظامی‌گری شوند. آنچه اجماع جهانی به آن رسیده بود، اینکه دولت‌های بلند پرواز جنگ طلبی وجود داشتند که امکان سازش میان آنها وجود نداشت و باید با آنها مخالفت می‌شد. این به غیر از سایر مسائل، مستلزم تمایل به قبول مخاطره جنگ و نیروی نظامی قوی برای حمایت از سیاست بازدارندگی بود. (مشیر زاده، 1384: 81) جامعه علمی نیز از این بدبین‌ها بر کنار نبود علاوه بر آن نویسندگان مسائل بین المللی تصمیم گرفته بودند مسائل را عریان و عاری از ارزشهای اخلاقی و حقوقی مورد بحث قرار دهند. (بهزادی، 1352: 21)

بتدریج در آمریکای پس از جنگ که حال مدافع اصلی غرب در مقابل اتحاد شوروی بود، واقع‌گرایی به مکتب مسلط فکری تبدیل شد. بسیاری از آثاری که در اواخر دهه 1940 منتشر شد بر رهیافت قدرت در مطالعه روابط بین الملل تاکید داشت. (مشیر زاده، 1384: 82) بطور خلاصه اینکه واقع‌گرایی به عنوان واکنشی اساسی در برابر بحران‌های نظام بین الملل و نیز ناتوانی رویکرد ایده آلیستی از تبیین آن، پا به عرصه فکری جهان بعد از جنگ نهاد.

## 1-2 مکاتب واقع‌گرا

دو جریان اصلی در مکاتب واقع‌گرا، قابل تفکیک است که عبارت است از:

واقع‌گرایی کلاسیک و نوواقع‌گرایی. آنچه به عنوان چارچوب نظری بحث در این تحقیق استفاده شده است از هر دو شاخه واقع‌گرایی کلاسیک و نوواقع‌گرایی تغذیه خواهد کرد با این تفاوت که جنبه واقع‌گرایی کلاسیک آن کمی

پرننگ تر خواهد بود به این معنی که مفاهیم قدرت، امنیت، نظامیگری و اولویت دولتها به عنوان بازیگران بین المللی را از واقع گرایی کلاسیک و مفاهیمی مثل هژمونی، اقتصاد نئولیبرال و ساختار حاکم بر نظام بین الملل را از نواقع گرایی به عاریت خواهیم گرفت. لذا، دقیقاً به همین دلیل ضروری به نظرمی رسد تا قبل از هر کاری به عمده ترین محققان هر دو نحله هر چند بطور مختصر پرداخته شود.

## 1-2-1 واقع گرایی کلاسیک

رنالیسم در شکل کلاسیک در اثر توسیدید یعنی «جنگ پلوپونز» (بیست و هفت قرن پیش) منعکس شده است. این سنت را در عصر مدرن در اروپا کلازویتز، لئوپولد رنک و فردریک ماینک دنبال کردند و در آمریکا محققان و سیاستمدارانی مانند هانس مورگنتا، هنری کسینجر و جرج کنان به ارائه نظریه و بحث در اطراف آن پرداختند. رنالیست ها (واقع گرایان) دولت ها را بازیگران اصلی صحنه سیاست بین الملل تلقی کرده اند آنها ضمن تاکید بر قدرت و منافع ملی، بر این اعتقادند که اصولاً از بین بردن گزینه قدرت صرفاً یک آرمان است برخی از رنالیست ها میان سیاست داخلی و خارجی تفکیک قائل می شوند، زیرا سیاست خارجی در محیط فاقد اقتدار مرکزی عمل می کند. (قوام، 82: 57-356).

محورهای اصلی رنالیسم را می توان در دولت سالاری، بقا و اصل خودیاری خلاصه کرد. (همان: 358) در واقع رنالیسم یا واقع گرایی از نوعی شک محافظه کارانه علمی نسبت به اصول ایده آلیسم و هم چنین از آموخته های نامطلوب تاریخی ناشی می شود. با این تعبیر رنالیسم شیوه نوعی بدبینی است، نه خوش بینی، و نیز در ارتباطات بین المللی، مولد نوعی شک و تردید است. به این لحاظ است که واقع گرایان، معتقدند قدرت زیربنای مفاهیم سیاست را تشکیل می دهد، البته اذعان می کنند که گاه بنا به ضرورت روابط مبتنی بر قدرت در لفافه اصطلاحات اخلاقی و قانونی جای می گیرد. (همان: 360)

از بین مهمترین نظریه پردازان واقعگرایی کلاسیک همچون کار، نیبور، ولفرز، آرون، کنان و مورگنتا به دو نویسنده اخیر، بصورت کوتاه پرداخته می شود و معیار مورد نظر جهت انتخاب ایشان به این دلیل است که با توجه به اینکه

سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بیشترین تاثیر را از آنان پذیرفته است و این شاید به این دلیل که هر دو آمریکایی اند بوده باشد.

## 1-1-2-1 جرج کنان

دیپلمات معروف آمریکایی در بحث خود در مورد سرشت بشر، او را غیر منطقی، خود خواه، سرکش و متمایل به خشونت می داند و بر آن است که ایجاد تغییرات بنیادین در بشر اگر محال نباشد بسیار دشوار است کنان به پایدار بودن تعارضات بین المللی باور دارد. البته از نظر کنان دیپلماسی می تواند نقشی در خثی کردن تعارضات بین المللی داشته باشد. دولتها می توانند تفاوتها را از طریق دیپلماسی تعدیل کنند به نظر او اصول اخلاقی مربوط به روابط افراد را نمی توان به رفتار دولتها در حوزه روابط بین الملل تعمیم داد و بر آن است که دولتها باید منافع بلند مدت خود را در نظر گیرند تا ثبات و نظم شکل گیرد. (مشیرزاده، 1384: 93-92)

## 1-1-2-2 هانس جی . مورگنتا

یکی از بنیانگذاران جدید «سیاست قدرت» و رئالیسم هانس مورگنتاست. مورگنتا عقیده دارد که تمام رفتار و اعمال بشر در اجتماع از قدرت سرچشمه گرفته و قدرت طلبی امری است طبیعی و ذاتی بشر، که غیر قابل ریشه کن کردن و اصلاح است. (بهزادی، 1352: 157) وی به عنوان نظریه پردازی که از یکسو بیشترین تاثیر را بر تدریس روابط بین الملل در دانشگاهها داشت، و از سوی دیگر، نظریه نسبتا جامعی از روابط بین الملل ارائه کرده است، شناخته شده و کتاب «سیاست میان ملتها»ی او را مهمترین کتابی می دانند که در رهیافت نظری به روابط بین المللی نگاشته شده است. (مشیر زاده 1384: 94)

مورگنتا، نمونه عالی واقع گرایی کلاسیک می باشد و از آنجایی که توجه به سرشت انسان از مختصات واقع گرایی کلاسیک بوده بگونه ای که به بیان والتز واقع گرایی سیاسی بدون نگرش به سرشت انسان ناممکن است. (همان: 96)

مورگنتا، بنیانگذار مکتب «سیاست قدرت» در روابط بین الملل عقیده دارد که هدف هر نوع سیاست - اعم از داخلی و خارجی در حقیقت تلاشی است برای کسب قدرت. (سیف زاده، 82 : 165)) بالاخره آنکه معیار قدرت، کشورها را